

بِسْمِہِ تَعَالٰی

تہیہ کنندہ: آذربایون دہیر دورہ اول
متوسطہ شہرستان مراغہ



الدَّرْسُ الثَّلَاثُ
درس سوم



قِصَّةُ الْأَخَوَيْنِ
داستان دو برادر



الدَّرْسُ الثَّالِثُ درس سوم

الْمُعْجَم: (۲۴ کلمه جدید)

عَدَوٌ: دشمن «جمع: أعداء» دشمنان	أُجْرَةٌ: کرایه، مُزد
عَضِبَ: خشمگین شد (مضارع: يَعْضَبُ) خشمگین می شود	إِخْوَانٌ: یاران، برادران «مفرد: أَخٌ» یان برادر
عَضْبَانٌ: خشمگین	إِعْتَذَرَ: معذرت خواست (مضارع: يَعْتَذِرُ) معذرت می خواهد
قَاطِعُ الرَّجْمِ: بُرنده پیوند خویشان	أَعْجَزَ: ناتوان ترین
قَبَّلَ: بوسید (مضارع: يُقَبِّلُ) می بوسد	تَوَجَّدَ: وجود دارد
قَسَّمَ: تقسیم کرد (مضارع: يُقَسِّمُ) تقسیم می کند	جِسْرٌ: پُل «جمع: جُسُور» پل ها
كَشَفَ: آشکار کرد (مضارع: يَكْشِفُ) آشکار می کند	حَسِبَ: پنداشت (مضارع: يَحْسِبُ) می پندارد
لَا نَرَكْبُ: سوار نمی شویم «ماضی: رَكِبَ» سوار شد	خَمْسَةٌ وَ عِشْرُونَ أَلْفًا: بیست و پنج هزار
مَخَزَنٌ: انبار «جمع: مَخَازِن» انبار ها	رَجَاءٌ: لطفاً «رَجَاءٌ: امید»
مَرَافِقُ صِحِّيَّةٌ: سرویس بهداشتی	رَجِيمٌ: رانده شده
مُعْطَلٌ: خراب	سَعَّلَ: روشن کن «ماضی: سَعَّلَ / مضارع: يُسَعِّلُ» روشن کرد روشن می کند
مُكَيِّفٌ: کولر	عَجَزَ: ناتوان شد (مضارع: يَعْجِزُ) ناتوان می شود

جِسْرُ الصَّدَاقَةِ پل دوستی

كَانَ حَمِيدٌ وَ سَعِيدٌ أَخَوَيْنِ. هُمَا كَانَا فِي مَزْرَعَةٍ قَمَحٍ. فِي أَحَدِ الْأَيَّامِ وَقَعَتْ عَدَاوَةٌ
حَمِيدٌ وَ سَعِيدٌ دُو بَرَادِرُ بُوَدُنْد. أَنَّهُمَا دَر مَزْرَعَه كُنْدَمِي بُوَدُنْد. دَر يَكِي اَز رُوزَهَا مِيَان أَنَّهُمَا دَشْمَنِي اِتْفَاقِ اِفْتَاد
بَيْنَهُمَا وَ غَضِبَ الْأَخُ الْأَكْبَرُ «حَمِيدٌ» عَلَى الْأَخِ الْأَصْغَرَ «سَعِيدٌ» وَقَالَ لَهُ:
وَ بَرَادِرُ بَزْرَكْتَر «حَمِيد» بَر بَرَادِرُ كُوجَكْتَر «سَعِيد» حَشْمَكِينِ شُد وَ بَه اُو كَفْت:



«أَخْرُجْ مِنْ مَزْرَعَتِي.»

از مزرعه من بیرون برو.

وَ قَالَتْ زَوْجَةُ حَمِيدٍ لَزَوْجَةِ سَعِيدٍ:
وَ هَمْسَرَ حَمِيدُ بَه هَمْسَرَ سَعِيدٍ كَفْتُ:

«أَخْرُجِي مِنْ بَيْتِنَا.»

از خانه ما بیرون برو.

فِي صَبَاحِ أَحَدِ الْأَيَّامِ طَرَقَ رَجُلٌ بَابَ بَيْتِ حَمِيدٍ؛ عِنْدَمَا فَتَحَ حَمِيدٌ بَابَ الْبَيْتِ؛
دَر صَبَاحِ يَكِي اَز رُوزَهَا مَرْدِي دَر خَانَه حَمِيدِ رَا كُوبِيد؛ هَنَكَامِي كِه حَمِيدُ دَر خَانَه رَا بَاز كَرْد؛
شَاهِدَ نَجَّارًا؛ فَسَّأَلَهُ:

نَجَّارِي رَا دِيد؛ پَس اَز اُو پَرْسِيد:

«مَاذَا تَطْلُبُ مِنِّي؟»

از من چه می خواهی؟

أَجَابَ النَّجَّارُ: «أَبْحَثُ عَنْ عَمَلٍ؛ هَلْ عِنْدَكَ عَمَلٌ؟»
نَجَّارِ جَوَابِ دَاد: دَنبَالِ كَارِي مِي كَرْدَم؛ أَيَا كَارِي دَارِي؟



فَقَالَ حَمِيدٌ: «بِالتَّأَكِيدِ؛ عِنْدِي مُشْكَلَةٌ وَ حَلُّهَا بِيَدِكَ.»
 پس حمید گفت: (البته؛ مشکلی دارم و حل آن به دست توست.)
 قَالَ النَّجَّارُ: «مَا هِيَ مُشْكَلَتُكَ؟»

نجار گفت: «مشکلت چیست؟»
 أَجَابَ حَمِيدٌ: «ذَلِكَ بَيْتٌ جَارِي؛ هُوَ أَخِي وَ عَدُوِّي؛ أَنْظِرْ إِلَى ذَلِكَ النَّهْرِ؛ هُوَ
 حمید جواب داد: آن خانه همسایه من است؛ او برادرم و دشمن من است؛ به آن رودخانه نگاه کن؛ او
 قَسَمَ الْمَزْرَعَةَ إِلَى نِصْفَيْنِ بِذَلِكَ النَّهْرِ؛ إِنَّهُ حَفَرَ النَّهْرَ؛ لِأَنَّهُ عَضَبَانٌ عَلَيَّ.
 او با آن رودخانه مزرعه را به دو قسمت تقسیم کرد؛ حقیقتاً او رودی کند زیرا او بر من خصمگین است.
 عِنْدِي أَخْشَابٌ كَثِيرَةٌ فِي الْمَخْزَنِ؛ رَجَاءً، اصْنَعْ جِدَارًا خَشْبِيًّا بَيْنَنَا.»
 چوب های زیادی در انبار دارم؛ لطفاً، دیوار چوبی بین ما بساز.
 ثُمَّ قَالَ لِلنَّجَّارِ:
 سپس به نجار گفت:

«أَنَا أَذْهَبُ إِلَى السُّوقِ وَ أَرْجِعُ مَسَاءً.»
 من به بازار می روم و بعد از ظهر برمی گردم.
 عِنْدَمَا رَجَعَ حَمِيدٌ إِلَى مَزْرَعَتِهِ مَسَاءً، تَعَجَّبَ كَثِيرًا؛ النَّجَّارُ مَا صَنَعَ جِدَارًا؛ بَلْ
 هنگامی که حمید بعد از ظهر به مزرعه اش برگشت بسیار تعجب کرد؛ نجار دیوار چوبی نساخت؛ بلکه
 صَنَعَ جِسْرًا عَلَى النَّهْرِ؛ فَغَضِبَ حَمِيدٌ وَ قَالَ لِلنَّجَّارِ:
 پل چوبی روی رودخانه ساخت؛ پس حمید عصبانی شد و به نجار گفت:
 «مَاذَا فَعَلْتَ؟! لِمَ صَنَعْتَ جِسْرًا?!»

چه کار کردی؟! برای چه پلی ساختی؟!
 فِي هَذَا الْوَقْتِ وَصَلَ سَعِيدٌ وَ شَاهَدَ جِسْرًا؛ فَحَسِبَ أَنَّ حَمِيدًا أَمَرَ بِصُنْعِ الْجِسْرِ؛
 در این وقت سعید رسید و پلی را دید پس گمان کرد که حمید دستور به ساختن پل را داد؛
 فَعَبَّرَ الْجِسْرَ وَ بَدَأَ بِالْبُكَاءِ وَ قَبَّلَ أَخَاهُ وَ اعْتَذَرَ.
 پس، از پل عبور کرد و شروع به گزیه کرد و برادرش را بوسید و معذرت خواست؛



ذَهَبَ حَمِيدٌ إِلَى النَّجَّارِ وَ شَكَرَهُ وَ قَالَ:
 حمید به سوی نجار رفت و از او تشکر کرد
 «أَنْتَ ضَيْفِي لِثَلَاثَةِ أَيَّامٍ.»

و گفت: تو به مدت سه روز مهمان من هستی.
 اعْتَذَرَ النَّجَّارُ وَ قَالَ:
 نجار معذرت خواست و گفت:
 «جَسُورٌ كَثِيرَةٌ بَاقِيَةٌ؛
 پل های زیادی مانده است؛
 عَلَيَّ الذَّهَابُ لِصُنْعِهَا.»
 من باید برای ساختن آن ها بروم.

إِثْنَانِ لَا يَنْظُرُ اللَّهُ إِلَيْهِمَا: قَاطِعِ الرَّجِمِ وَ جَارِ السَّوِّءِ.

من کلام رسول الله ﷺ

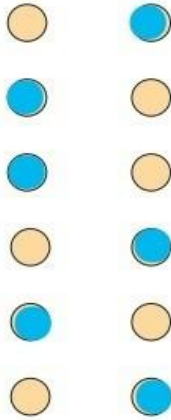
دو (گروه اند در روز قیامت) خداوند به آنها نگاه نمی کند: برنده پیوند خویشان و همسایه بد.



يا صاحب الزمان

با توجه به متن درس درستی یا نادرستی جمله‌های زیر را معلوم کنید. ✓ ✗

درست نادرست



۱. قَالَتْ زَوْجَةُ حَمِيدٍ لِرَؤُوفَةَ سَعِيدٍ: أَخْرِجِي مِنِّي بَيْتَنَا. **همسر حمید به همسر سعید گفت: از خانه ما برو بیرون.**
۲. صَنَعَ النَّجَّارُ جِدَارًا خَشَبِيًّا بَيْنَ الْأَخْوِيَيْنِ. **نجار بین دو برادر دیوار چوبی ساخت.**
۳. بَقِيَ النَّجَّارُ فِي بَيْتِ حَمِيدٍ لثَلَاثَةَ أَيَّامٍ. **نجار به مدت سه روز در خانه حمید ماند.**
۴. سَعِيدٌ قَسَمَ الْمَرْزَعَةَ إِلَى نِصْفَيْنِ. **سعید مزرعه را به دو قسمت تقسیم کرد.**
۵. مَا نَدِمَ سَعِيدٌ وَ مَا قَبِلَ أَخَاهُ. **سعید پشیمان نشد و برادرش را نبوسید.**
۶. حَمِيدٌ أَكْبَرُ مِنْ سَعِيدٍ. **حمید بزرگتر از سعید است.**

فَعْلُ الْأَمْرِ (۱)

فعل امر

ای پس، انجام بده، ای دختر انجام بده

فَعْلُ الْأَمْرِ (۱) ← (یا وَكَلْتُ، اِفْعَلْ)، (یا بِنْتُ، اِفْعَلِي)





لِمَ أَنْتِ وَحِيدَةٌ؟ اِلْعَبِي مَعَ زَمِيلَاتِكَ.
برای چه تو تنهایی؟ با هم کلاسی هایت بازی کن.



لِمَ أَنْتَ وَحِيدٌ؟ اِلْعَبْ مَعَ زَمَلَائِكَ.
برای چه تو تنهایی؟ با هم کلاسی هایت بازی کن.

با فعل امر آشنا شوید.

به فرق میان فعل‌های مضارع و امر توجه کنید و ترجمه آنها را یاد بگیرید.

شخص	فعل مضارع	فعل امر
	تَفَعَّلَ (مفرد مذکر مخاطب)	افْعَلْ (مفرد مذکر مخاطب)
	تَفَعَّلَيْنِ (مفرد مؤنث مخاطب)	افْعَلِي (مفرد مؤنث مخاطب)

فرق فعل مضارع و فعل امر را کشف کنید.

فعل مضارع	فعل امر	فعل مضارع	فعل امر
تَسْمَعُ: می شنوی	اسْمَعْ: بشنو	تَعْلَمِينَ: می دانی	اعْلَمِي: بدان
تَجْلِسُ: می نشینی	اجْلِسْ: بنشین	تَجْلِبِينَ: می آوری	اجْلِبِي: بیاور
تَكْتُبُ: می نویسی	اكتبْ: بنویس	تَصُدِّقِينَ: راست می گویی	اصدقي: راست بگو



ترجمه کنید.

دنبال کلید بگرد	إِزْرَعِي قَمْحًا.	گندم بکار
پرچم ایران را بالا ببر	إِرْفَعْ عِلْمَ إِيْرَانِ.	به سوی پروردگارت برگرد.
بهترین کارها را طلب کن.	أَطْلُبْ خَيْرَ الْأُمُورِ.	از مادرت تشکر کن.

التمارين

تمرينات


١ التمرين الأول: تمرين اول

درستی یا نادرستی جمله‌های زیر را بر اساس حقیقت مشخص کنید.  

درست نادرست

- | | | |
|----------------------------------|----------------------------------|--|
| <input type="radio"/> | <input checked="" type="radio"/> | ١. الفلاح يعمل في المزرعة و الموظف يعمل في الإدارة.
<i>کشاورز در مزرعه کار می‌کند و کارمند در اداره کار می‌کند.</i> |
| <input checked="" type="radio"/> | <input type="radio"/> | ٢. مرقد الإمام الثالث في مدينة مشهد في محافظة خراسان.
<i>مرقد امام سوم در شهر مشهد در استان خراسان است.</i> |
| <input type="radio"/> | <input checked="" type="radio"/> | ٣. المخزن مكان نجعل و نحفظ فيه أشياء مختلفة.
<i>انبار مکانی که در آن وسایل مختلفی می‌گذاریم و نگه می‌داریم.</i> |
| <input type="radio"/> | <input checked="" type="radio"/> | ٤. بعدما صدمت سيارة عابراً، يأتي شرطى المرور.
<i>بعد از این که ماشینی با عابر پیاده‌ای تصادف کرد، پلیس راهنمایی و رانندگی می‌آید.</i> |
| <input checked="" type="radio"/> | <input type="radio"/> | ٥. الجسر مكان يرقد فيه المرضى للعلاج.
<i>پل، مکانی است که در آن بیماران برای درمان بستری می‌شوند.</i> |

٢ التمرين الثاني: تمرين دوم

جمله‌های زیر را با توجه به تصویر، ترجمه کنید. 



رجاء، إلعبي مَعنا كُرّة المِنصَدّة.
لطفاً، با ما تنیس روی میز بازی کن.



رجاء، إلعِب مَعنا كُرّة القَدَم.
لطفاً، با ما فوتبال بازی کن.



۳ التَّمْرِينُ الثَّلَاثُ: تمرین سوم

آیات شریفه زیر را ترجمه؛ سپس فعل‌های امر را معلوم کنید.

۱. ﴿رَبَّنَا آمَنَّا فَاغْفِرْ لَنَا وَارْحَمْنَا وَأَنْتَ خَيْرُ الرَّاحِمِينَ﴾^۱ الْمُؤْمِنُونَ: ۱۰۹.
پروردگارا ایمان آوردیم پس ما را بیامرز و به ما رحم کن و تو بهترین رحم‌کنندگانی.

۲. ﴿... رَبَّنَا افْتَحْ بَيْنَنَا وَبَيْنَ قَوْمِنَا بِالْحَقِّ وَأَنْتَ خَيْرُ الْفَاتِحِينَ﴾ الْأَعْرَافُ: ۸۹.
پروردگارا، تو بین ما و امت، به حق داوری کن و تو بهترین داورانی.

۳. ﴿وَ اكْتُبْ لَنَا فِي هَذِهِ الدُّنْيَا حَسَنَةً وَفِي الْآخِرَةِ ...﴾ الْأَعْرَافُ: ۱۰۶.
و برای ما در این دنیا و در آخرت نیکی بنویس.

۴. ﴿... أَنْصُرْنَا عَلَى الْقَوْمِ الْكَافِرِينَ﴾ آلِ عِمْرَانَ: ۱۴۷.
... ما را بر قوم کافران پیروز گردان.

۵. ﴿قَالَ فَاخْرُجْ مِنْهَا فَإِنَّكَ رَجِيمٌ﴾ الْحَجَرِ: ۳۴.
گفت پس، از آن خارج شو و قطعاً تو رانده شده‌ای.

۶. ﴿وَ ادْخُلِي جَنَّتِي﴾ الْقَجْرِ: ۳۰.
و داخل بهشت شو.

۴ التَّمْرِينُ الرَّابِعُ: تمرین چهارم

هر کلمه را در جای مناسب از جدول بنویسید.

صِغَاب - صَالِحَات - رَاحِمُونَ - زَوْجَةٌ - جِسْرَيْنِ - تَلْمِيذَاتَانِ

مفرد مؤنث	مثنای مذکر	مثنای مؤنث	جمع مذکر سالم	جمع مؤنث سالم	جمع مکسر
زَوْجَةٌ	جِسْرَيْنِ	تَلْمِيذَاتَانِ	رَاحِمُونَ	صَالِحَات	صِغَاب

* ۱- همزه اغْفِرْ و اِرْحَمْ در ﴿فَاغْفِرْ لَنَا وَ اِرْحَمْنَا﴾ خوانده نمی‌شود. معمولاً در قرآن روی این همزه نشانه ص می‌گذارند. ← ﴿فَاغْفِرْ لَنَا وَ اِرْحَمْنَا﴾ (نشانه ص یعنی ف را در فَاغْفِرْ به غ وصل کن).



۵ التَّمْرِينُ الْخَامِسُ: تمرین پنجم

ترجمه کنید؛ سپس فرق جمله خطاب به مذکر را با جمله خطاب به مؤنث توضیح دهید.

- | | |
|---|--|
| ۱. یا اُخِي، اِسْمَعْ كَلَامَ مُدْرَسِنَا. | ای برادرم، سخن معلممان را بشنو. |
| ۲. یا أُخْتِي، اِسْمَعِي كَلَامَ مُدْرَسَتِنَا. | ای خواهرم، سخن معلممان را بشنو. |
| ۳. یا أَيُّهَا التَّلْمِيذُ، اُشْكُرْ رَبَّكَ. | ای دانش آموز (پسر)، پروردگارت را شکر کن. |
| ۴. یا أَيُّهَا التَّلْمِيذَةُ، اُشْكُرِي رَبَّكَ. | ای دانش آموز (دخت)، پروردگارت را شکر کن. |

از لحاظ ترجمه فرقی ندارند ولی در این جملات عربی، فعل امر مذکر

آخرش ساکن « َ » است اما فعل امر مؤنث، آخرش « ی » است.
التَّمْرِينُ السَّادِسُ:
تمرین ششم

گزینه مناسب را انتخاب کنید.

- | | |
|---|--|
| ۱. مَنْ فِي الْأَرْضِ، يَرْحَمُكَ مَنْ فِي السَّمَاءِ. اِرْحَمِ اُسْجُدْ | رحم کن به کسی که در زمین است، رحم کند به تو کسی که در آسمان است. |
| ۲. الْمُهَنْدِسُونَ صَنَعُوا لِعُبُورِ السَّيَّارَاتِ. مَخْرَزَانًا جِسْرًا | مهندسان پلی را برای عبور خودروها ساختند. |
| ۳. سَعِيدٌ الْمَرْزَعَةَ إِلَى نِصْفَيْنِ بِذَلِكَ النَّهْرِ. حَسِبَ قَسَمَ | سعید مزرعه را با آن رودخانه به دو قسمت تقسیم کرد. |
| ۴. عَجَزَ الْمَرِيضُ؛ فَ... فِي الْمُسْتَشْفَى. حَفَرَ رَقَدَ | بیمار ناتوان شد، پس در بیمارستان بستری شد. |
| ۵. ظَلَمْتَ صَدِيقَكَ؛ فَهُوَ... عَلَيْكَ. أَحَبُّ غَضَبَانُ | به دوستت ظلم کردی، پس او بر تو خشمگین است. |
| ۶. جَارُنَا يَعْمَلُ فِي... الْكِرَاسِيِّ. مَلْعَبٍ مَصْنَعٍ | همسایه ما در کارخانه صندلی ها کار می کند. |

۷ التَّمَرِينُ السَّابِعُ:
تمرین هفتم

کلمه‌های مترادف و متضاد را دو به دو کنار هم بنویسید.
زندگی، زیبایی، دانش‌آموز، هنگامی که، غمگین، زشت، ناراحت، زمانی که، بدبختی، دانش‌آموز
حیاء - جمال - تَلْمِيز - عِنْدَمَا - حَزِين - قُبْح - مَحْزُون - لَمَّا - شَقَاوَةٌ - طَالِب -
خوشبختی، مرگ
سَعَادَةٌ - مَمَاء

حیاء ≠ مَمَاء - جمال ≠ قُبْح - سَعَادَةٌ ≠ شَقَاوَةٌ
تَلْمِيز = طَالِب - عِنْدَمَا = لَمَّا - حَزِين = مَحْزُون

كَنْزُ الْحِكْمَةِ

گنج دانش

بخوانید و ترجمه کنید؛ سپس فعل‌های ماضی، مضارع و امر را تشخیص دهید.

فعل امر

۱. إِعْلَمَ أَنَّ النَّصْرَ مَعَ الصَّبْرِ. رَسُولُ اللَّهِ ﷺ

بدان که پیروزی به همراه بردباری است.

فعل مضارع منفی

فعل مضارع منفی

۲. لَا يَشْكُرُ اللَّهُ مَنْ لَا يَشْكُرُ النَّاسَ. رَسُولُ اللَّهِ ﷺ

کسی که از مردم سپاسگزاری نمی‌کند، از خدا هم سپاسگزاری نمی‌کند.

فعل ماضی

۳. أَعْجَزُ النَّاسِ مَنْ عَجَزَ عَنِ اِكْتِسَابِ الْإِخْوَانِ. الْإِمَامُ عَلِيُّ ﷺ

ناتوان‌ترین مردم کسی است که از به دست آوردن برادران (دوستان) ناتوان باشد.

فعل ماضی

فعل امر

۴. إِذَا قَدَرْتَ عَلَى عَدُوِّكَ؛ فَاجْعَلِ الْعَفْوَ عَنْهُ شُكْرًا لِلْقُدْرَةِ عَلَيْهِ. الْإِمَامُ عَلِيُّ ﷺ

هر گاه بر دشمنت چیره شدی؛ پس عفو و گذشت از او را شکرانه چیرگی بر او قرار بده.

فعل مضارع

فعل مضارع

۵. الْعِلْمُ وَالْمَالُ يَسْتُرَانِ كُلَّ عَيْبٍ وَالْجَهْلُ وَالْفَقْرُ يَكْشِفَانِ كُلَّ عَيْبٍ. رَسُولُ اللَّهِ ﷺ

علم و دارایی هر عیبی را می‌پوشانند و نادانی و نداری هر عیبی را آشکار می‌کنند.

* ۱- النَّصْرُ: پیروزی.

۲- حرف «ل» در «اجْعَل» در جمله «... اجْعَلِ الْعَفْوَ...» برای راحتی تلفظ، علامت کسره گرفته است؛ زیرا تلفظ دو

حرف ساکن در کنار هم در زبان عربی دشوار است (اجْعَلِ الْعَفْوَ).

فعالیت دانش آموز

یک متن کوتاه عربی (قرآن، حدیث، داستان و لطیفه ...) پیدا کنید که فعل امر داشته باشد.



.....

.....

.....

.....



الأربعینات

(گفت و گوهای مربوط به راهپیمایی اربعین)

عند السائق في مسيرة الأربعين الحسيني
نزد راننده در راهپیمایی اربعین حسینی

- الأجرة مقطوعة. كم نقرأ أنتم؟
کرایه ثابت است، شما چند نفرید؟
- أجرة كل نقر خمسة و عشرون ألف دينار.
کرایه هر نفر بیست و چند هزار دینار است.
...

- كم أجرة نقر واحد؟
کرایه یک نقر چقدر هست؟
- ثلاثة نقرات.
سه نفر

- عَلِي عَيْنِي.
به روی چشمم.
- الْمَكِّيْفُ مُعْطَلٌ.
کولر خراب است.
- أَفْتَحُ نَوَافِذَ الْحَافِلَةِ.
پنجره های اتوبوس را باز می کنم.
- لَا بَأْسَ.
اشکالی ندارد.

- أَلَجُوْ حَارًّا. رَجَاءً، عَلَيَّ بِالْحَرَكَةِ يَا سَائِقُ.
هوا گرم است. لطفاً، ای آقای راننده لازم
- رَجَاءً، شَغَلِ الْمَكِّيْفَ. است حرکت کنی.
لطفاً، کولر را روشن کن.
- عَفْوًا؛ فَلَا تَرْكِبْ هَذِهِ الْحَافِلَةَ.
ببخشید، پس سوار این اتوبوس
- لَا، نَحْنُ نَنْزِلُ. مَعْذِرَةً. نمی شویم.
نه، ما پیاده می شویم، معذرت می خواهیم.

- عَلِي عَيْنِي.
به روی چشمم.

- رَجَاءً، عَلَيَّ بِالْوُقُوفِ فِي مَكَانٍ لِإِدَاءِ الصَّلَاةِ
لطفاً، لازم است در جایی برای نماز خواندن
و لِّلِاسْتِرَاحَةِ. و استراحت کردن توقف کنید.

- فِي أَحَدِ الْمَوَاقِبِ بَعْدَ نِصْفِ سَاعَةٍ.
در یکی از ایستگاه های خدمات رسائی بعد از نیم ساعت.
- نَعَمْ، بِالتَّأَكِيدِ.
بله، البته.

- يَا سَائِقُ، أَيْنَ الْوُقُوفِ وَ مَتَى؟
ای آقای راننده، کجا توقف می کنید و چه موقع؟
- هَلْ تَوْجَدُ مَرَافِقِي صَحِيَّةً؟
آیا سرویس بهداشتی وجود دارد؟

- نَعَمْ، أَعْرِفُ. هَذَا قِسْمٌ مِنْ دُعَاءِ زِيَارَةِ الْأَرْبَعِينَ.
بله، می دانم. این قسمتی از دعای زیارت اربعین است.

- أَعْرِفُ دُعَاءَ زِيَارَةِ الْأَرْبَعِينَ؟
آیا دعای زیارت اربعین را می دانی؟

السَّلَامُ عَلَيَّ وَ لِيِّ اللَّهِ وَ حَبِيْبِهِ،
السَّلَامُ عَلَيَّ خَلِيْلِ اللَّهِ وَ نَجِيْبِهِ ...

سلام بر ولی خدا و حبیبش،
سلام بر دوست خدا و نجیبش،

